

صادق هدایت

سه قطره خون

نقدها و نظرها

متن داستان

ترجمه انگلیسی داستان

مقدمه و گردآوری: جهانگیر هدایت

نشر چشمه

فهرست

۱. سرگذشت ۷
۲. سال شمار تفصیلی آثار صادق هدایت ۱۰
۳. مقدمه گردآورنده ۱۹
۴. نقدها و نظرها درباره سه قطره خون ۲۶
۵. کتاب انتظار ۲۷
۶. کتاب عقاید و افکار صادق هدایت ۲۸
۷. کتاب راجع به صادق هدایت صحیح و دانسته قضاوت کنیم ۳۰
۸. کتاب صادق هدایت - محمود کتیرائی ۳۱
۹. مجله مفید - تحلیل روان شناختی سه قطره خون ۳۱
۱۰. مجلد مفید - سه قطره خون نخستین داستان سمبولیک ایرانی ۴۶
۱۱. SADEGH HEDAYAT ۶۲
۱۲. کتاب صادق هدایت و مرگ نویسنده ۶۷
۱۳. کتاب صادق هدایت در آئینه آثارش ۷۱
۱۴. کتاب نقد و تفسیر صادق هدایت ۷۲
۱۵. کتاب سه قطره خون - زنده بگور - صادق هدایت ۸۲
۱۶. دفتر هنر - ویژه نامه صادق هدایت ۸۵
۱۷. کتاب زندگی و هنر صادق هدایت ۱۰۳
۱۸. کتاب هدایت و سپهری ۱۰۳
۱۹. داستان سه قطره خون ۱۰۷
۲۰. ترجمه (سه قطره خون) THREE DROPS OF BLOOD ۱۱۹
۲۱. CHRONOLOGY OF SADEGH HEDAYAT'S WORKS ... ۱۳۰

مقدمه گردآورنده

سه قطره خون نام داستان کوتاهی است از صادق هدایت که در مجموعه‌ای به همین نام برای نخستین بار در سال ۱۳۱۱ انتشار یافت و بعداً کراراً تجدید چاپ شده است. در این کتاب مجموعاً یازده داستان وجود دارد. علاوه بر سه قطره خون داستان‌های گرداب - داش آکل - آینه شکسته - طلب آمرزش - لاله - صورتک‌ها - چنگال - مردی که نفسش را کتک و گجسته دژ نیز آمده‌اند. سه قطره خون یکی از معروف‌ترین آثار صادق هدایت است که البته پس از بوف کور قرار دارد. در میان مجموعه داستان‌های صادق هدایت این کتاب نسبتاً معروف‌تر است. این داستان در میان روان داستان‌های صادق هدایت جای دارد و در اکثر موارد در کنار بوف کور و زنده‌به‌گور مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. در همین داستان صادق هدایت شعری نیز سپرده است. این شعر وزن و قافیه‌مظمی دارد و دقیقاً هماهنگ با موضوع داستان می‌باشد. البته صادق هدایت همراه با مسعود فرزاد در کتاب وغوغ ساهاب تعدادی قضیه به صورت شعرگونه دارد که از وزن و قافیه سنتی شعر فارسی تبعیت نمی‌کنند و حال و هوای خود را دارند. ولی این شعر نزد خوانندگان آثار هدایت بسیار محبوب است. کما این که بسیاری از خوانندگان آثار او این شعر را تمام به خاطر دارند. در مجلسی که اکثر شرکت‌کنندگان پزشک و

جراح بودند در مقابل حیرت نگارنده، یکی از جراحان این شعر را تمام و کمال برای ما خواند که هرگز تصور نمی‌کردم او چنین به هدایت و شعرش در سه قطره خون عشق بورزد. در مجموعه داستان سه قطره خون گرچه تمام یازده داستان هر یک به تنهایی داستان‌های معروفی در آثار هدایت هستند ولی داستان‌های سه قطره خون، داش آکل و محلل معروفیت بیشتری داشته حتی از داش آکل فیلم سینمایی هم تهیه شده و روی پرده سینما آمد.

در سه قطره خون، زنده به گور و بوف‌گور ما با یادداشت‌های دیوانه‌هائی روبه‌رو هستیم. این کدام دیوانه است که با چنین قدرتمند و برنامه‌ریزی و انسجامی می‌تواند افکار و احساسات خود را روی کاغذ بیاورد؟

دیوانه‌های این داستان‌های هدایت نه تنها دیوانه نیستند بلکه عاقل‌ها را ریشخند کرده‌اند. طوری خود را به دیوانگی زده‌اند که عاقل‌ها وقتی می‌خوانند کیف می‌کنند و لذت می‌برند. واقعاً این نوعی ریشخند است. عاقل‌ها وقتی افکار و احساسات و آرزوهای این قهرمانان دیوانه هدایت را می‌خوانند در بسیاری موارد خود را شریک آن‌ها حس می‌کنند. همین اشتراک احساس و افکار است که خواننده را محو دیوانگی آن‌ها می‌کند و احساس می‌کند گاه جای آن‌ها قرار گرفته و آن‌ها دارند به جای خواننده سخن می‌گویند. این دیوانه‌ها همان افسوس‌هائی را می‌خورند که عاقل‌ها در گذران زندگی به کرات گرفتارش بوده‌اند. آیا عاقل‌ها رگه‌هایی از دیوانگی ندارند؟ و بالاخره مرگ، کدام عاقلی است که به مرگ نیندیشیده باشد؟ مرگ دلهره‌آور، مرموز و ناشناخته، مرگ آرامش‌دهنده و چاره‌ساز. صادق هدایت در سایه اطلاعات بسیار وسیع خود در آثارش و مخصوصاً سه قطره خون، زنده به گور و بوف‌گور تجزیه و تحلیل‌های روانی آمیخته با

افکار فلسفی و ظرافت‌های خاص خود را چنان در بافتی روان و دلنشین به خواننده نشان می‌دهد که او را شیفته می‌کند. عده‌ای معتقدند هدایت با نوشتن داستان‌هائی چون سه قطره خون و زنده به گور تمرین نوشتن بوف‌گور را می‌کرده است. مخصوصاً تخیلی بودن زنده به گور در بوف‌گور در حد اعلا ملاحظه می‌شود.

سه قطره خون توسط خانم فرد رضوی، همسر دکتر تقی رضوی که از دوستان بسیار صمیمی هدایت بوده، به زبان فرانسه ترجمه شده است: *Trois Gouttes de Sang* که این ترجمه در سال ۱۹۵۹ در روزنامه کیهان چاپ شد. همین داستان با همکاری مشترک خانم گیتی نشاط و مرلین والدمن *Marilyn Robinson Waldman* به انگلیسی ترجمه گردیده است: *Three Drops of Blood*

در این داستان شرح و ماجرای گربه‌ای به نام نازی آمده است. شاید ذکر این نکته بی‌مناسبت نیست که صادق هدایت تمام ایام زندگی خود را در خانه پدری گذرانید. مادر او خانم زیورالملوک به گربه علاقه خاصی داشت و در خانه یکی دو گربه نگه‌داری می‌شدند.

نگارنده که در سنوات مختلف در خانه پدر بزرگم ساکن بودم شاهد بودم که این گربه‌ها طبعاً در رفت و آمد و پلکیدن در خانه به اطاق صادق هدایت هم می‌رفتند. صادق هدایت گاه که فرصت و مجال و حوصله داشت با این گربه‌ها بازی می‌کرد و طبعاً تمام حالات و حرکات و صداهای آن‌ها را مدنظر داشت. به احتمال قریب به یقین شرحی که از نازی در سه قطره خون ملاحظه می‌شود بسیار نزدیک به یکی از همین گربه‌های خانه هدایت بوده است.

ترجمه انگلیسی این داستان در کتاب: *Hedayat's Blind Owl Forty Years After* چهل سال پس از بوف‌گور هدایت، از انتشارات هیلمن درج